



بازگشت به پدرسالاری

پرونده «وطن امروز»
درباره ضرورت محوریت
پدر در خانواده ایرانی
به بهانه پخش سریال
پر مخاطب «پدر»



صفحات ۱۱ و ۶

سر برجام به سلامت!

گزارش «وطن امروز» از ادامه انفعال وزارت خارجه
در مقابل اقدامات ضد ایرانی کشورهای اروپایی
از اخراج دیپلمات‌های ایرانی در هلند تا دستگیری
دیپلمات سفارت ایران در اتریش

صفحه ۵

انتقاد صریح فعالان اقتصادی از سیاست‌های
متناقض ارزی دولت در ۵ ماه نخست امسال

ابهام بخش خصوصی درباره بازار ثانویه

رئیس کنفدراسیون صادرات ایران:
در ۳ ماه گذشته ۳۳ بخشنامه ارزی صادر شده است

صفحه ۳

با حکم رهبر انقلاب منصوب شد

یک نسل سومی

رئیس جدید سازمان تبلیغات اسلامی



انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسمه‌تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای شیخ محمد قمی

دامت توفیقاته

اکنون که سازمان تبلیغات اسلامی پس از یک دوره طولانی به مدیریت جناب حجت‌الاسلام آقای سیدمهدی خاموشی به رشد و توسعه کمی و کیفی قابل توجه نائل گشته است، با تشکر از زحمات و تلاش‌ها و خدمات متراکم ایشان، جنابعالی را که بحمدالله از دانش و ابتکار و انگیزه و نشاط جوانی برخوردارید به ریاست این سازمان منصوب می‌کنم.

سازمان تبلیغات اسلامی یکی از مهم‌ترین رویش‌های انقلاب اسلامی است که با تصمیمی روشن‌بینانه و ژرف‌نگرانه با هدف تبلیغ و عرضه اندیشه تابناک اسلام ناب محمدی (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) به جامعه انقلابی بویژه جوانان جوای حقیقت و معرفت، شکل گرفت. این سازمان بحمدالله طی حدود ۴ دهه اخیر منشأ خدمات و برکاتی بوده است و امروز ضرورت وجودی آن نه تنها کاهش نیافته بلکه ضریبی فزاینده یافته است. تبیین و عرضه فکر و فرهنگ و معارف اسلامی با توجه به نیازهای روز و با تآوری در ادبیات و روش‌ها به گونه‌ای که بر جان و دل مخاطبان بنشیند و وجود آنان را از کوثر حقیقت دین سیراب نماید، رسالت بسیار مهم این سازمان است.

رسالت دیگر این سازمان رصد و مقابله هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است. دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی- ایرانی مردم خصوصاً جوانان را هدف قرار داده و با شیوه‌ها و ابزارهای متکی به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، درصدد تپه کردن انقلاب از عقبه دینی و ایمانی و مردمی آن می‌باشند.

محمدجواد ظریف ۳ سال پس از توافق با آمریکایی‌ها:

آمریکا دنبال تکرار سناریوی ۲۸ مرداد است

علی لاریجانی: مکر آمریکا در ۲۸ مرداد
امروز در مسأله هسته‌ای هم مشاهده می‌شود



محمدجواد ظریف

از عمامه خاکی سفر به کرمانشاه تا حمایت از دولت در روزهای پر تلاطم

اعتماد صادقانه مردم و رهبری به یکدیگر است که موجب می‌شود در برهه‌ای که دشمنان انقلاب اسلامی به اوج امیدواری برای ضربه زدن به نظام اسلامی رسیده بودند، مردم با حضور عاشورایی در ۹ دی این امیدواری را به یأس تبدیل کنند.

اما آنچه بهانه‌ای شد تا از اعتقاد واقعی رهبری به مردم بنویسم، سخنان اخیر ایشان پیرامون دولت بود. رهبر معظم انقلاب در سخنان اخیرشان در عین اینکه به صراحت از عملکرد دولت انتقاد و به بی‌تدبیری‌های دولتی‌ها در عرصه اقتصادی کشور بویژه در زمینه توزیع ارز در کشور اشاره کردند و در حالی که بارها عملکرد دولت را در عرصه سیاست خارجی مورد نقد قرار داده‌اند اما در عین حال از لزوم حمایت از دولت سخن گفتند و به صراحت اعلام کردند کسانی که می‌گویند دولت باید برود در زمین دشمن بازی می‌کنند.

شاید اگر قرار بود ایشان هم مانند برخی سیاستمداران امروز کشور از جمله خود رئیس دولت و پدران معنوی آن، سیاست‌ورزی- بخوانید سیاست‌بازی- کنند، این روزها بهترین فرصت بود تا رهبری- که اتفاقاً مشکلات این روزهای کشور حاصل بی‌توجهی دولتی‌ها به هدایت‌ها و هشدارهای ایشان است- شدیدتر از هر زمانی به دولت تانکون داشته‌اند، موسم انتخابات‌ها از بارزترین

نمونه‌هایی بوده که ایشان پاسداری از رأی مردم را به نمایش گذاشته‌اند.

سال ۸۸ زمانی که دشمنان جمهوری‌ت به دنبال انتقام از مردم بودند، رهبری تمام‌قد از رأی مردم دفاع کردند و اجازه ندادند رأی و حق مردم قربانی قدرت‌طلبی و هوسرانی عده‌ای جاه‌طلب شود اما این موضوع فقط به سال ۸۸ خلاصه نشد، چرا که ایشان در برهه‌های دیگر نیز از رأی مردم در مقابل زیاده‌خواهان پاسداری کردند: «هرکس بخواد با نتیجه آرای ملت در بیفتد، بنده در مقابلش می‌ایستم. در سال‌های گذشته و انتخابات‌های گذشته هم همین‌جور بوده: در سال ۷۶، در سال ۸۴، در سال ۸۸، در سال ۹۲؛ بعضی مقابل چشم مردم بوده و مردم مطلع شده‌اند؛ بعضی را هم مردم مطلع نشده‌اند اما این حقیر در جریان قرار گرفتم.

در همه این سال‌هایی که شمردم، کسانی بودند که می‌خواستند در مقابل انتخابات بايستند؛ که در سال ۸۸ آشکار شد و آمدند در میدان اردو کشی کردند، و مطلع نشده‌اند اما این حقیر در جریان قرار گرفتم. در آن سال‌های دیگر جور دیگری نبود. در همه این سال‌ها بنده ایستادم و گفتم نتیجه انتخابات مردم هرچه هست باید تحقق پیدا کند».

هستند کسانی که دم از مردم و مردم‌سالاری و دموکراسی می‌زنند اما سخن گفتن آنها از مردم صرفاً شعارهای زیبایی است برای پوست‌های تبلیغاتی‌شان و این شعارهای زیبا هیچ‌گاه از نمایش‌های تبلیغاتی آنها فراتر نرفته است. اما در منش رهبر انقلاب، اعتقاد به مردم چیزی بسیار فراتر از شعارهای رنگارنگ مدعیان است.



از سخن تا به عمل یک قدم است

پرده برداری از چهره شیطان

نوید مؤمن

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی اخیراً در دیدار هزاران نفر از قشرهای مردم از استان‌های مختلف، در سخنان مهمی درباره شرارت‌های آمریکا و ترسیم فرمول مذاکره به سبک مقامات آمریکایی به نکات ارزنده و مهمی اشاره فرمودند: «بر خلاف تصور عده‌ای در داخل، درخواست آمریکایی‌ها برای مذاکره مسأله جدیدی نیست و در ۴۰ سال اخیر بارها تکرار اما با پاسخ منفی ایران مواجه شده است... آنها (آمریکایی‌ها) اهداف اصلی را کاملاً مشخص می‌کنند، البته همه این اهداف را اعلام نمی‌کنند اما در طول مذاکرات با دبه و چانه‌زنی، همه اهداف را پیگیری می‌کنند. نکته دیگر اینکه آمریکایی‌ها از این اهداف اصلی یک قدم عقب نمی‌نشینند. آمریکایی‌ها در مذاکرات، با الفاظ ظاهراً اطمینان‌بخش فقط وعده می‌دهند اما از طرف مقابل امتیازات نقد می‌خواهند و وعده نمی‌پذیرند. این واقعیت را ما در برجام تجربه کردیم، همچنان که در مذاکره با کره شمالی هم آمریکایی‌ها همین روش را در پیش گرفته‌اند...»

در تحلیل بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی، نکاتی وجود دارد که نمی‌توان بسادگی از کنار آنها گذشت.

۱- رهبر معظم انقلاب به تلاش ۴۰ ساله مقامات آمریکایی برای مذاکره با ایران اشاره فرموده‌اند. این تلاش از دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر آغاز شده و در دوران ریاست جمهوری ریگان، بوش پدر و پسر، کلینتون، اوباما و ترامپ نیز ادامه پیدا کرده است. از این رو پیشنهاد ارائه شده اخیر از سوی ترامپ مبنی بر مذاکره با ایران، یک «پدیده نوین» یا «مختصاتی جدید» نیست! پیشنهادت مکرری که مقامات آمریکایی درباره مذاکره با ایران داده‌اند، ریشه در استیصال آنها

در برابر «ایران قدرتمند» دارد. «ایران قدرتمند» یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه واقعیتی است که واشنگتن طی ۴ دهه اخیر بارها با آن مواجه شده و البته قدرت مواجهه با آن را نیز نداشته است. این قاعده درباره ترامپ نیز صادق است.

۲- فرمولی که رهبر معظم انقلاب درباره نحوه مذاکره مقامات آمریکایی ترسیم کرده‌اند، دارای جنبه استراتژیک و تاکتیکی است. در این جنبه استراتژیک، مقامات آمریکایی اهداف اصلی خود را مشخص کرده و روی آنها متمرکز می‌شوند. برخی از این اهداف اعلامی و آشکار و برخی دیگر، غیراعلامی و پنهان است. در جنبه تاکتیکی، مقامات آمریکایی روش‌ها و ابزارهایی را برای رسیدن به اهداف کلان خود در مذاکرات تعیین می‌کنند. تاکتیک‌های مذاکراتی آمریکا، ترکیبی از روش‌های اقماعی، تشویقی و تنبیهی بوده و ناظر به موقعیتی تعریف می‌شود که مذاکره‌کنندگان آمریکایی در آن قرار گرفته یا می‌گیرند. یکی از فرمول‌های دیگری که مقامات آمریکایی به کار می‌گیرند، «فدا کردن تاکتیک‌ها» پای «استراتژی‌ها» یا همان فدا کردن «بازار» پای «هدف» است. با این حال مقامات آمریکایی به گونه‌ای این عمل را صورت می‌دهند که مخاطبان تصور می‌کنند واشنگتن دست به معامله بر سر ثوابت و استراتژی‌ها و اهداف کلان رده است! مقامات آمریکایی میز مذاکره را به گونه‌ای می‌چینند که در آن مرز بین «استراتژی‌ها» و «تاکتیک‌ها» خلط شده و سپس در یک بازی سریع و با استفاده از سردرگمی یا هیجان کاذبی که در طرف مقابل ایجاد می‌کنند، تمام اهداف خود را عملی می‌کنند.

۳- مقامات هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه آمریکا در مذاکره با رقبای خود، به «بازی» حاصل جمع صفر» پایبندند، به گونه‌ای که «پیروزی آنها» با «شکست طرف مقابل» مصادف شود. بدیهی است در این معادله، «بازی برد- برد» معنایی ندارد. مروری بر تجربه برجام در این باره می‌تواند مفید فایده باشد. در دوران ریاست جمهوری اوباما، افرادی مانند «جان کری»، «نوزان رایس» و «وندی شرم» سکان هدایت مذاکرات هسته‌ای با ایران را در دست گرفتند. بعضاً در داخل از این افراد، به عنوان «سیاستمداران خوش‌خیم آمریکایی» یاد می‌شد! باور نادرستی که گریبانگیر دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان شد. دموکرات‌ها با استناد به تاکتیک «ببند»، سخت‌ترین و خطرناک‌ترین مکانیسم‌ها و گزاره‌های ممکن را در متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ گنجانده‌اند!